



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۹، شماره ۶۴، پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲۵-۴۸

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران

مجید جلالی مهر<sup>۱</sup>

مریم مرادی<sup>۲</sup>

محسن دیانت<sup>۳</sup>

### چکیده

تحریم‌های بین‌المللی یکی از ابزارهای اصلی در سیاست خارجی دولت‌ها برای نفوذ و تغییر رفتار کشورهای دیگر است. ایران، به عنوان یکی از کشورهایی که به تحریم‌های گسترده بین‌المللی تحت فشار قرار گرفته است، در تلاش برای دور زدن این تحریم‌ها به دنبال روش‌هایی جدید می‌باشد. این مقاله با هدف بررسی نقش روابط سیاسی-اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران انجام شده است. پرسش اصلی مقاله عبارت است از: آیا روابط اقتصادی و سیاسی افغانستان می‌تواند به عنوان یک مسیر جایگزین برای ایران در دور زدن تحریم‌ها عمل کند؟ در پاسخ به پرسش مقاله این فرضیه طرح می‌گردد که توسعه روابط سیاسی-اقتصادی با افغانستان می‌تواند به ایران در کاهش وابستگی به بازارهای بین‌المللی و دستیابی به منابع اقتصادی جدید کمک کند. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی با استفاده از مقالات و مصاحبه با کارشناسان می‌باشد. یافته‌ها نشان داد در سیاست خارجی ایران به مسائل افغانستان بیشتر توجه کرده و از شدت امنیتی کردن این کشور کاسته گردد. همچنین از ایران به عنوان پلی برای صادرات و واردات افغانستان به

<sup>۱</sup> - گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قشم، هرمزگان majidjalali630@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران moradimaryam@yahoo.com

<sup>۳</sup> - گروه حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران mdianat.pn@gmail.com

دلیل دسترسی نداشتن افغانستان به دریای عرب و به عنوان کریدور ترانزیتی با تجارت جهانی می توان بهره برد.

### کلمات کلیدی

روابط سیاسی، روابط اقتصادی، راهبردها، امنیت ورود، غیرقانونی

### مقدمه

روابط خارجی ایران و افغانستان از ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی قابل بررسی و حائز اهمیت است. تاریخی این روابط، فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. در قرن ۱۹ میلادی بنا به دلایل گوناگون نظیر رقابت و نفوذ بریتانیا و روسیه در ایران و افغانستان از سطح روابط تجاری دو کشور به شدت کاسته شد و مناسبات آنان بیشتر در قالب روابط سیاسی-امنیتی تعریف گردید. در قرن ۲۰ میلادی. اگرچه زمینه‌ها و مقدمات رونق مجدد روابط تجاری ایران و افغانستان چون به قدرت رسیدن امان‌الله خان در افغانستان (۱۹۱۹ میلادی) و رضاخان در ایران (۱۹۲۵ میلادی). فراهم شد اما با وجود رونق نسبی روابط بازرگانی دو کشور در میانه‌ی این سده این روابط با به قدرت رسیدن کمونیست‌ها و طالبان در افغانستان و وقوع انقلاب اسلامی در ایران عمیق و گسترش نیافت. همچنین در این سال‌ها، تهدیدات امنیتی چون تجاوز شوروی به افغانستان و ظهور بنیادگرایی طالبانیسم که امنیت ملی ایران را با خطرهای بسیاری مواجه ساخته بود، منجر به تیرگی و قطع روابط خارجی ایران و افغانستان شد. در دو دهه‌ی نخست قرن ۲۱ میلادی وقایعی نظیر سقوط طالبان غالب شدن الگوی اقتصادمحوری در سیاست خارجی ایران و افغانستان و متعاقباً افزایش صادرات ایران به افغانستان، بیانگر تقویت بعد اقتصادی روابط خارجی دو کشور در کنار روابط سیاسی-امنیتی است؛ به گونه‌ای که این تحولات، حاکی از شکل‌گیری فرآیند "عصر اقتصاد ایرانی-افغانی" است. در واقع، ایران و افغانستان می‌توانند با گسترش روابط اقتصادی بازیگران کوچک اما مهمی در بازی بزرگ اقتصاد منطقه‌ای و جهانی باشند. در همین راستا، سرنوشت توسعه و پیشرفت آن نیز به روابط اقتصادی دو کشور وابسته است؛ بنابراین، رابطه‌ی مستقیمی بین افزایش یا افت روابط اقتصادی ایران و افغانستان و پیشرفت و یا پسرفت وجود دارد ایران و

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

افغانستان با وجود داشتن بیشترین مشترکات تاریخی، فرهنگی، دینی و زبانی از کمترین میزان روابط در سیاست خارجی خود برخوردارند از طرفی، افغانستان همواره در سیاست خارجی ایران در جایگاه پایینی قرار داشته است. وقوع مسائل بین‌المللی توأم با خشونت در سال‌های اخیر در حوزه امنیتی منطقه‌ای ایران همواره منجر به تغییر سیاست خارجی ایران در رابطه با کشورهای منطقه به‌ویژه همسایگان گردیده است. عدم توجه جدی به مسئله افغانستان می‌تواند ناشی از دیدگاه واقع‌گرایانه مسئولین جمهوری اسلامی ایران به مسائل بین‌المللی و ضرورت توجه بیشتر به جریان مقاومت، رویارویی با آمریکا و اسرائیل باشد. افغانستان در دهه‌های گذشته به دلیل مشکلات داخلی و حضور نیروهای خارجی فرصت‌های توسعه و پیشرفت را از دست داده است. در آن دوران به تلاش‌های ایران در راستای تقویت روابط با افغانستان می‌توان اشاره کرد ایران علاوه بر منافع تجارت دوجانبه به دیگر نیروهای منطقه‌ای کمک کرده تا روند توسعه‌ی افغانستان را افزایش دهد از همین رو هنگامی که بحث همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین دو یا چند کشور مطرح می‌شود و همچنین تأثیری که این همکاری‌ها بر وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی استان‌های مرزی دارد، در نخستین گام کشورهای عضو به شناسایی موانع تجاری در ابعاد مختلف و سپس کاهش این موانع در فی‌مابین می‌اندیشند. در حقیقت اگرچه روابط اقتصادی ایران و افغانستان طی چند سال گذشته روند روبه‌رشدی داشته است، اما هنوز بسیاری از چالش‌ها و موانع سیاسی، امنیتی و فرهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی بر روابط اقتصادی دو کشور سایه افکنده است. لذا، مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که در روابط سیاسی و اقتصادی ایران و افغانستان کدام فرصت‌ها و تهدیدات وجود دارد و این چالش‌ها و موانع چه تأثیراتی می‌تواند بر روابط سیاسی و اقتصادی ایران و افغانستان داشته باشد.

پیشینه پژوهش:

پیشینه روابط اقتصادی ایران و افغانستان از منظر اقتصاد سیاسی شامل پژوهش‌های متعددی است که در سه عصر قاجار، عصر پهلوی و عصر جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در عصر قاجار، روابط تجاری ایران و افغانستان به دلیل ساختار اقتصاد معیشتی، نظام

سیاسی بسته و استعمار، به شدت ضعیف گشت. نظام اقتصادی ضعیف سنتی (روستایی)، فئودالیسم شرقی و نظام حکومتی شاهنشاهی موجب فقر عمومی، ناپایداری اقتصادی، عدم شکل گیری مالکیت خصوصی و عدم تحرک ساختارهای اجتماعی سیاسی شد. عملکرد ضعیف سیستم آبیاری مانع از بهره وری و رشد مطلوب تولیدات کشاورزی شد. املاک سلطنتی و اربابی نیز که شکل غالب مالکیت زمین در این قرن بود، ضربه مهلکی بر اقتصاد ایران و افغانستان وارد ساخت (احمدی و قائمیان، ۱۳۹۸: ۱۳). البته این به معنای نبود روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان نیست. ۳۵ تا قبل از به قدرت رسیدن قاجارها (۱۷۹۴م)، طرفین معاملات تجاری ایران عبارت بودند از: افغانستان، امارت نشین های آسیای میانه، امپراتوری عثمانی و هند. اما با افزایش تجارت با انگلیس که تحول اصلی در تجارت ایران طی نیمه نخست قرن ۱۹م. محسوب می شود، افغانستان نقش مهم تجاری خود را از دست داد. بریتانیا در سال های ۱۸۵۰-۱۸۰۰م. بیش از نیمی از اقتصاد ایران را از طریق افزایش بی رویهی صادرات از مسیرهای تجاری عثمانی، خلیج فارس، هند و سیستان تصرف نمود. در مقابل، سیاست خارجی روسیه در قبال افغانستان در نیمه ی نخست قرن نوزدهم بر چند اصل استوار بود، اولاً؛ گسترش تماس های تجاری با افغانستان به دلیل تکاپوی دولت بریتانیا در گسترش نفوذ اقتصادی در آسیای میانه و ایران، ثانیاً، برپایی پیوندهای سیاسی با افغانستان و ثالثاً؛ پنهان نمودن روابط تجاری با افغانستان با توجه به حساسیت های سیاسی ای که انگلیسی ها در قبال همه مناطق و کشورهای همسایه با هند از خود بروز می دادند (شیخ غفوری و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۱). در نیمه ی دوم قرن ۱۹م. (عصر ناصری)، خصوصاً پس از سالهای ۱۸۸۰م. تاسف انگیز ترین دگرگونی در اقتصاد ایران، افزایش سهم روسیه بود؛ به گونه ای که در سال های ۱۸۶۰-۱۹۱۴م. کل تجارت ایران با روسیه دوازده برابر افزایش یافت. نتیجتاً، رقابت های بریتانیا و روسیه در قرن نوزدهم که به بازی بزرگ "شهرت یافت، نتیجه ای جز استقرار اقتصاد سیاسی خودمحور مَرَکانتلیستی در سطح کلان و حذف تدریجی افغانستان از صحنه ی تجارت ایران نداشت (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). صادرات و واردات افغانستان تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸م.) تحت تأثیر سیاست های اقتصادی بریتانیا و روسیه تزاری، از مسیر هند بریتانیا و راههای ترانزیتی شوروی صورت می گرفت. که موجب شد تا افغانستان، قدرت اقتصادی و محوریت خود را در ترانزیت کالاهای تجاری چین به ایران و بالعکس که از طریق جاده ی

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

ابریشم قدیم صورت می‌گرفت، از دست بدهد. اما در پایان دهه ی دوم قرن بیست میلادی، وقوع انقلاب روسیه، استقلال افغانستان و کودتای رضاخان به نقطه ی عطفی در اقتصاد سیاسی ایران و افغانستان مبدل گشت. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. منجر به عقب نشینی قوای روسی از شمال ایران، لغو همهی پیمان‌ها و امتیازهای اقتصادی دولت جدید تزار با ایران و پایان سلطهی بی‌رحمانه روسیه بر اقتصاد ایران شد (میرعلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۲۱). از سوی دیگر، استقلال افغانستان (۱۹۱۹م.) از بریتانیا رقم خورد و ایران نخستین کشوری بود که استقلال آن را به رسمیت شناخت. دولت جدید کابل به علت هزینه ی زیاد واردات کالا از کشورهای دیگر، درصدد برقراری روابط دیپلماتیک با ایران بر آمد. سردار عبدالعزیز خان در سال ۱۹۲۰م. به عنوان نماینده سیاسی از سوی امان الله خان، رهبر افغانستان (۱۹۱۹-۱۹۲۹م.)، عازم ایران شد تا پیشنهادهای دولت متبوع خود را در چهار فقره یعنی اقامهی کنسول در دو کشور، مبادلهی سفیر و برقراری روابط دیپلماتیک و تجاری، تسلیم دولت پهلوی اول کند ((احمدی و قائمیان، ۱۳۹۸: ۲۰). این مذاکرات در سال ۱۹۲۱م. با فروکش کردن بحران‌های سیاسی کابل - تهران و تلاش رضاخان برای تنش زدایی سیاسی، به نتیجه رسید و نخستین عهدنامه مودت بین ایران و افغانستان که به موجب آن، فضای دوستانه‌ای در روابط دو کشور حاکم گردید، به امضاء رسید (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۸). در فصل نخست این عهدنامه، روابط و مناسبات حسنه سیاسی ایران و افغانستان و اتباع دولتهای مزبور و نیز در فصل هشتم، استحکام و برقراری مناسبات و تعاملات تجاری، قوانین گمرکی و مبادلات پستی و تلگرافی مورد تأکید قرار گرفت ((احمدی و قائمیان، ۱۳۹۸: ۲۴). سقوط دولت داوودخان با کودتای شبه کمونیستی ۱۹۷۸م. و سپس وقوع انقلاب فوریه ۱۹۷۹م. ایران آغاز دورهی جمهوری اسلامی)، دو واقعه ی مهمی بودند که هم بر اقتصاد سیاسی ملی دو کشور و هم بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل تأثیرات فاحشی برجای گذاشت. افغانستان پس از کودتای ۱۹۷۸م. در دامان اقتصاد سیاسی مارکسیسم روسی افتاد و عملیات اجرای طرح‌های عمرانی توسعه‌ای ایران و افغانستان، با هدف مبارزه با سلطه ی اقتصاد سیاسی سرمایه داری غرب متوقف شد. شوروی به تدریج افغانستان را به خود وابسته کرد. تا سال ۱۹۸۴م. بیش از ۱۰۰ پروژه مهم صنعتی و مهندسی (حدود ۷۰ درصد) به کمک شوروی در این کشور احداث شد (یزدان پناه و احمدی، ۱۴۰۰:

(۳۲۸). شوروی تا سال ۱۹۹۰م. نخستین صادر کننده و واردکنندگان کالا از افغانستان بود؛ به گونه ای که در سال ۱۹۹۲م. به میزان ۸۶۱۶ درصد از کل صادرات این کشور به شوروی، تایوان، هند و اتحادیهی اروپا و ۲/۸۱ درصد از کل واردات آن به شوروی، ژاپن، فرانسه و شرق دور بوده است (رضائی، ۲۰۲۲: ۱۵۳). علاوه بر این، قطع روابط دیپلماتیک و تجاری افغانستان و ایران طی این سال ها قابل پیش بینی بود؛ چراکه انقلاب اسلامی ایران با خلق کدهایی همچون معنویت گرایی، استعمار زدایی و عدالت محوری، رویکردی جدید و متفاوت در اقتصاد سیاسی بین الملل (مادی گرایی کاپیتالیسم و مارکسیسم) پدید آورد که از آن می توان با نام "گفتمان فرهنگی اقتصاد سیاسی بین الملل" یاد کرد. لذا این گفتمان، نه تنها رژیم های شبه کمونیستی افغانستان را به رسمیت نمی شناخت، بلکه آنان را مادی گرا و دست نشاندۀ بلوک شرق می دانست. پس از سقوط دولت شبه کمونیستی در افغانستان و آغاز حکومت مجاهدین (۱۹۹۶-۱۹۹۲م.) روابط دیپلماتیک تهران - کابل مجدداً برقرار گردید و تعاملات بازرگانی ایران و افغانستان از سر گرفته شد. از سوی دیگر، نظام اقتصاد سیاسی باز و آزاد دولت هاشمی رفسنجانی در دهه ی ۱۹۹۰م. به جای نظام اقتصادی دولتی دهه ی ۱۹۸۰م. منجر به تقویت بخش خصوصی، اقتصاد محور و برون گرا شدن سیاست خارجی شد؛ به گونه ای که تلاش گروه های ذی نفع و ذی نفوذ اقتصادی صنعتی برای بازاریابی منطقه ای و جهانی، زمینه - ساز گسترش روابط و مناسبات اقتصادی سیاسی ایران با سایر کشورها به ویژه در قالب سازمان های اقتصادی منطقه ای همچون اکو گردید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). به همین جهت، افغانستان با تلاش و مساعدت ایران، به حلقه تجاری اکو پیوست. در نتیجه، طی سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳م. ایران توانست به لحاظ صادرات کالا به افغانستان، پس از کشورهای هند، پاکستان، چین و ژاپن در رده ی پنجم قرار گیرد (حق شناس و یوسفی، ۲۰۱۰: ۱۰۱). اما بی ثباتی های سیاسی ناشی از جنگ داخلی احزاب مجاهد، روابط اقتصادی ایران و افغانستان را با چالش بزرگی مواجه ساخت و زمینه را برای ظهور "اقتصاد سیاسی بنیادگرای طالبان" فراهم ساخت. دولت ج.ا.ایران نیز حکومت طالبان (۱۹۹۶م.) را به رسمیت نشناخت. در عصر طالبان (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱م.)، روابط دیپلماتیک تهران - کابل به دلیل اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی قطع گردید. ولی ایران برای آن که از عرصه مسائل افغانستان دور نماند، مناسبات بسیار محدود تجاری با طالبان برقرار نمود. لذا یک هیئت از طرف طالبان به سرپرستی رئیس اتاق های تجارت طالبان

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

به ایران سفر کرد که بر اثر آن راه ترانزیتی اسلام قلعه که مسدود بود، باز شد (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۷۳). هم‌زمانی سه رویداد در نیمه‌ی نخست دهه‌ی دوم قرن ۲۱م. بر تعمیق روابط ایران و افغانستان اثرگذار بود. نخست؛ روی کار آمدن دولت حسن روحانی در ایران (ژوئن ۲۰۱۳م.) و تأکید آن بر دیپلماسی و سیاست خارجی اقتصادمحور، دوم؛ ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی توسط رهبر ج.ا.ایران (سپتامبر ۲۰۱۳م.) و رویداد سوم که نیز موجب نهادینه شدن ساختار دولت در افغانستان گردید، آغاز به کار دولت اشرف غنی (۲۰۱۴م.) بود که سبب توجه بیشتر این کشور به آبهای آزاد بین‌المللی (جنوب و جنوب شرق ایران) و خروج از تنگناهای ژئوپلیتیکی شد؛ تنگناهایی که در اقتصاد سیاسی از آن تحت اصطلاح دترمینیسم جغرافیایی نظیر موقعیت بسته جغرافیایی و فقدان دسترسی به آبهای جهانی به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم توسعه کشورها یاد می‌شود. در همین راستا، در سفر اخیر اشرف غنی به ایران (ژوئن ۲۰۱۶م.)، وی در نشستی سه‌جانبه با حسن روحانی و نخست‌وزیر هند، سند همکاری توسعه چابهار را امضاء کرد (لطفی، ۱۳۹۷: ۲۰۴). ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی نیز که بر گسترش روابط خارجی ایران با دیگر کشورها، به ویژه کشورهای همسایه تأکید می‌ورزد، باعث شد تا روند همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دو کشور شدت بیشتری یابد. بدین جهت، تبیین و بررسی دقیق سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک ایران و افغانستان بدون درک روشنی از اهداف اقتصادی آنان تا حدودی غیرممکن است (دهقانی فیروزآبادی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۵: ۳۹). متاثر از تحولات اخیر افغانستان که منجر به سقوط دولت «اشرف غنی» از اریکه قدرت شد، ملت افغانستان و نیروهای نظامی این کشور بدون هیچ مقاومتی حکومت را در اشغال طالبان دیدند و شرایط ناامنی دیگری بر این کشور حاکم شد. علاوه بر این گروه تروریستی داعش برای مقابله با طالبان بر عملیات انتحاری و ناامنی در این کشور افزود و در حال حاضر این کشور بدون دولت و در منازعات ناامنی بسر می‌برد. انباشت مولفه‌های مانع و پس‌ران در دولت‌سازی موجب شده است تا افغانستان امروزی به عنوان جامعه‌ای از هم گسیخته، مضمحل و واگرا، که در ماریپیچ تنازلی منازعه، ناامنی و فقر قرار دارد به بهشت تروریست‌های مدرن از جمله طالبان و داعش بدل شود؛ گروه‌هایی که با تمسک به عنصر دین و با هدف کسب قدرت سیاسی، نه تنها در داخل مانع ایجاد

هرگونه مردم سالاری نهادمند شده اند، بلکه در سطحی گسترده تر امنیت جمهوری اسلامی ایران، منطقه و حتی نظام بین الملل را آماج حملات تروریستی خود قرار داده اند (رکابیان، ۱۴۰۱: ۲۵).

#### ۱. چالش‌های روابط سیاسی - اقتصادی ایران و افغانستان

##### ۱-۱. بازگشت مجدد طالبان

بی‌تردید سرنوشت استان‌های مرزی ایران در شرق بیشتر از سایر استان‌های مرکزی و غربی به ظهور و افول طالبان گره خورد است. عصر کوتاه، طالبان دوره‌ای شوم و نامیمون برای اقتصاد صادرات و واردات استان‌های شرقی بود؛ چراکه افغانستان یکی از بازارهای هدف استان‌های خراسان جنوبی، شمالی رضوی و سیستان و بلوچستان بود اما با سقوط طالبان عملکرد بازارچه‌های مرزی استان‌های شرقی هر ساله از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است (بوزان باری، ۱۳۸۹: ۱۱). بنابراین نفوذ و قدرت‌یابی مجدد طالبان و یا گروه‌های طرفدار آن می‌تواند بر صادرات و واردات و به عبارتی توسعه‌ی اقتصادی خراسان جنوبی تأثیر مستقیم بر جای بگذارد.

##### ۲-۱. بی‌ثباتی سیاسی

عدم وجود ثبات سیاسی اداری اقتصادی در افغانستان از چندین دهه قبل به‌ویژه پس از خروج شوروی سابق از این کشور تاکنون همواره منشأ بروز مشکلاتی در مرزها و تعاملات بازرگانی در شرق ایران بوده است هجوم آوارگان و پناهندگان به سمت مرزهای ایران در نتیجه بی‌آرامی‌های داخلی که البته با برقراری نسبی امنیت تا حدی این عامل کمرنگ شده است، افزایش فقر و بیکاری و به تبع آن افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی از طریق مرز شرقی، افزایش قاچاق کالا، شرارت و به‌ویژه قاچاق مواد مخدر از مهم‌ترین پیامدهای بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی افغانستان بوده است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۵: ۷۹). عامل بی‌ثباتی باعث شده تا بسیاری از مردم خراسان جنوبی و حتی مسئولین رغبت و تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در نواحی مرزی مشترک این استان با افغانستان از خود نشان دهند؛ چراکه با توجه به اینکه مهم‌ترین بازار هدف این استان، افغانستان است، در صورت بی‌ثباتی آن، به‌طور حتم بازار مصرفی مناسب چون این کشور کمتر می‌توان برای تولیدات و کالاهای این استان یافت. از همه مهم‌تر،



## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

بی‌ثباتی ضمن کاهش قدرت ریسک‌پذیری اقتصادی باعث می‌شود تا توانمندی ژئوپلیتیکی خراسان جنوبی در صادرات کالا از سایر استان‌های ایران به افغانستان کمرنگ شود؛ چراکه امروزه بخشی مهمی از صادرات و واردات که از طریق بازارچه‌ها و گمرک خراسان جنوبی صورت می‌گیرد متعلق به دیگر استان‌های ایران است.

#### ۳-۱. روندهای روابط اقتصادی ایران در منطقه خاورمیانه

خاورمیانه به‌عنوان زیرسیستم در تعاملات نظام بین‌المللی از نظر جغرافیایی در حقیقت پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا محسوب می‌شود. همین مسأله سبب شده است تا به لحاظ ژئواستراتژیک در مقاطع تاریخی به کانون فعل و انفعالات بین‌المللی تبدیل شود و همواره از سوی قدرت‌های بزرگ مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت منطقه‌ای که امروز خاورمیانه نامیده می‌شود کانون ارتباطات ویژه تجاری میان سه قاره بوده است. کشف نفت و به دنبال آن انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان مهم‌ترین کالای تجاری بر اهمیت اقتصادی و ژئواکونومیک این منطقه به‌شدت افزوده است برای اینکه روند دیپلماسی اقتصادی ایران منطقه‌ارزیابی شود ابتدا باید جایگاه اقتصادی ایران در منطقه بررسی و سپس به ارزیابی عملکرد مثبت یا منفی دیپلماسی پرداخته شود مهم‌ترین متغیرهایی که در بررسی‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند میزان سرمایه‌گذاری خارجی، روابط تجاری ایران و کشورهای منطقه و میزان موفقیت دیپلماسی اقتصادی برای عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای است. شرایط و تحولات سیاسی ایران در کنار شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل و جهانی‌شدن اقتصاد از عواملی هستند که به همراه عدم رشد مناسب بخش‌های اقتصادی در ایران مانع از حضور گسترده و فعال آن در رقابت جهانی می‌شود. علاوه بر این‌ها، فشارها و تحریم‌های گسترده در دو دهه گذشته که از سوی کشورهای غربی بر ایران تحمیل شده توجه به مسائل اقتصادی و به‌کارگیری دیپلماسی در اقتصادی در مناسبات تجاری را برجسته‌تر ساخته است (فاخری، ۱۳۹۲: ۴۶)

#### ۴-۱. اهمیت و ظرفیت‌های افغانستان برای ایران در دوران تحریم

استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه یکی از مسائل قابل اعتناء در سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی در شرایط تحریم در میان کشورهای همسایه ی، ایران کشور افغانستان علاوه بر ویژگی هم‌مرز بودن به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاص خود از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی اقتصادی ایران برخوردار است. در حال حاضر ایران بزرگ‌ترین شریک تجاری افغانستان است و این کشور علاقه‌مند به افزایش حجم تجارت خود با ایران و هند از طریق بندر چابهار است؛ اما اعمال تحریم‌های مجدد آمریکا علیه ایران چشم‌انداز روابط اقتصادی این کشور با ایران را مبهم و تا حدودی پیچیده خواهد کرد. با این حال ظرفیت‌های قابل‌اعتنایی در مناسبات دو کشور همسایه ایران و افغانستان وجود دارد که می‌توان با بهره‌برداری از آن بخش قابل توجهی از فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی آمریکا را به حداقل رساند (حق پناه، ۱۳۹۳: ۵۶)

#### ۱-۵. بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی مشترک ایران و افغانستان

هم‌مرز بودن افغانستان با ایران به‌مانند دیگر همسایگان ظرفیت‌های فراوانی در اختیار ایران جهت تأمین ارز مورد نیاز قرار داده است. هم‌اکنون کاهش دسترسی ایران به ارز به دلیل تحریم موجب ایجاد و گسترش بازار سیاه در امتداد مرز افغانستان - ایران شده است. بسیاری از افغان‌ها پس از تحریم‌های ترامپ به این نتیجه رسیدند تا دلار خریداری شده در کشور خود را به ایران آورده و به قیمت گران‌تری بفروشند بر اساس گزارش رویترز روزانه ۲ تا ۳ میلیون دلار از طریق جابجایی مسافری افغانستان به ایران وارد می‌شود با توجه به توانایی ضعیف اجرای قانون از سوی دولت افغانستان دارای یک اقتصاد نقدی است و کنترل قاچاق ارز کار بسیار دشواری است و عدم تمایل کابل برای جلوگیری از تجارت بازار سیاه که درآمد بسیاری از شهرهای غرب افغانستان را تأمین کند، ایران می‌تواند از طریق چنین بازاری بخشی از کسری دلار خود را جبران می‌کند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳).

مزیت دوم هم‌مرزی با افغانستان تشویق مبادله آزاد در مرزهای میان ایران و افغانستان است. حرکت آزاد کالا بین ایران و افغانستان اجازه می‌دهد تا تاجران افغان از کاهش ارزش ریال سود ببرند هم‌اکنون بازار صنعت و مواد غذایی احیاء یافته است، زیرا شرکت‌های تجاری افغان قادر به خرید کالاهای ارزان قیمت از شرق ایران هستند و می‌توانند آن‌ها را به قیمت‌های بلندتر در

نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

مهر - مرادی - دیانت

غرب افغانستان بفروشد. با توجه به اینکه نرخ بیکاری در هم‌اکنون به درصد رسیده است و مناطق غربی افغانستان با توجه به حضور قابل توجه طالبان از فقر شدید رنج می‌برند، کابل ترجیح می‌دهد به منافع اقتصادی مرتبط با افزایش تجارت ایران و افغانستان ادامه دهد چنین وضعیتی ضمن تقویت بخش صادرات ایران می‌تواند در آمد ارزی کشور را افزایش دهد (حق جو، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

۲. لزوم تقویت مناسبات سیاسی با افغانستان

دیدار رئیس‌جمهور وقت با اشرف غنی در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای و گفتگوهای دو طرف در مورد همکاری اقتصادی با افغانستان و اعلام آمادگی ایران جهت همکاری با دولت افغانستان در زمینه مبارزه با تجارت غیرقانونی مواد مخدر در این کشور و نیز اعزام یک نماینده اطلاعاتی برای دیدار با چین، پاکستان و روسیه در مورد مبارزه با شاخه داعش در افغانستان علائم امیدوارکننده‌ای است که باید در این برهه زمانی بیشتر مورد توجه دستگاه دیپلماسی قرار گیرد. دستگاه سیاست خارجی (ایران) باید به این نکته توجه کند که هرگونه سردی روابط میان ایران و افغانستان چه بسا انگیزه هندوستان را در مورد سرمایه‌گذاری توسعه بندر چابهار خواهد کاست. اگر سطح رابطه ایران و افغانستان در این برهه حساس به دلایلی کاهش یابد، بسیار محتمل است که هند پروژه توسعه بندر چابهار را متوقف کند زیرا این کشور موفقیت ساخت‌وساز این بندر را منوط به رابطه مثبت بین تهران و کابل می‌داند (دهشیار، ۱۳۸۶: ۸۸). لذا مسلم است که هر دو طرف رابطه از این امر، سود خواهند برد، هم بازار اقتصاد افغانستان نیاز شدیدی به کالاهای متناسب با قدرت خرید و توان مالی متقاضیان و مصرف‌کنندگان داشت و دارد، و هم ایران به‌عنوان کشوری که با محدودیت‌های سنگینی در حوزه دادوستدهای اقتصادی و تجاری در عرصه بین‌المللی مواجه بود و پیامدهای تحریم‌های سنگین، اقتصادی، تأثیرات محسوس و مخرب خود را بر اقتصاد و بازار این کشور گذاشته بود، نیاز به کشوری دارد که فارغ از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، بتواند آزادانه و در شرایط مقتضی وضعیت اقتصاد و تجارت در سایر کشورهای جهان با آن به داد و ستاد اقتصادی و بازرگانی و تجارت و ترانزیت بپردازد. افزون بر موارد فوق نباید از یاد ببریم که برقراری ارتباطات راهبردی و گسترده در

حوزه اقتصادی می‌تواند پیوندهای دیرینه‌ی افغانستان و ایران را بیش از هر زمان دیگری تحکیم و تثبیت کند و به هر دو کشور این امکان را بدهد تا در تعامل با یکدیگر، در عرصه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در کنار هم حضور پیدا کنند و به‌عنوان دو همسایه و شرکای اقتصادی مهم، سهم عمده‌ای در سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی تجارت ترانزیت و صادرات و واردات ایفاء نمایند.

روابط تجاری و اقتصادی با ایران به دلیل راه‌های ترانزیتی مناسب یکی از گزینه‌های مهم سران حکومت جمهوری اسلامی افغانستان محسوب می‌شود لذا رهبران افغان در طول دو دهه اخیر سفرهای متعددی را در جهت تحکیم این روابط به ایران داشته اگرچه یک بالانس موازی در روابط تجاری بین دو کشور وجود ندارد یعنی بیشترین‌های سود از این روابط را ایران برده است؛ چون از میزان ۲ میلیارد دلار مبادلات تجاری بین دو کشور ۲۵ درصد مربوط به صادرات کالاهای افغانی بوده و مابقی آن را واردات ایران تشکیل می‌دهد، ولی به‌رحال هر دو کشور از روابط فوق به نحوی سود برده و نیاز به چنین روابطی محسوس می‌شود.

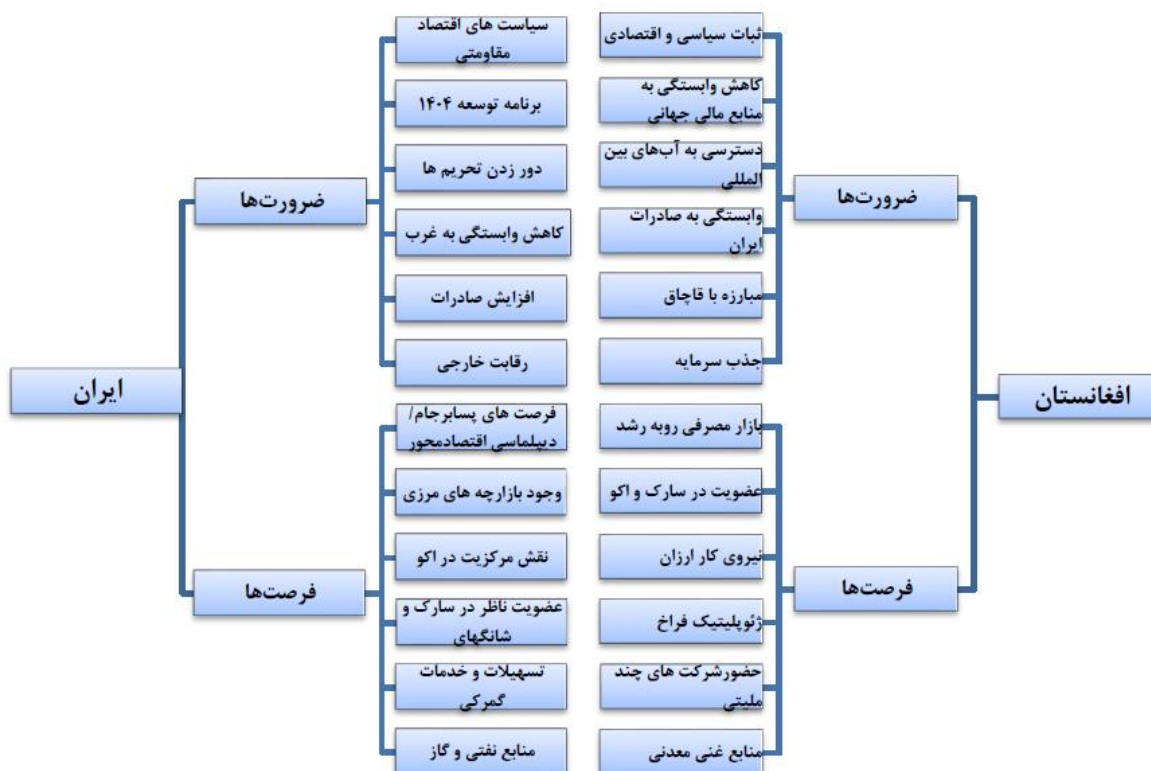
### ۳. فرصت‌ها و تهدیدات موجود فراروی ثبات اقتصادی افغانستان

موقعیت جغرافیایی افغانستان در ایجاد فرصت‌ها و چالش‌ها برای این کشور و دیگر کشورهای منطقه و همسایه نقش بالقوه بسزایی می‌تواند داشته باشد. سقوط و فروپاشی رژیم طالبان و شکل‌گیری نظام نوین، سیاسی تحولات سیاسی، اقتصادی و امنیتی، افغانستان را کانون توجه کشورهای منطقه و جهان قرار داده است، ولی متأسفانه آنطوری که آرزوی مردم و خیلی از ناظرین و دولت مردان بود از پن فرصت تاکنون استفاده بهینه صورت نگرفته است با وصف این تحولات دو دهه اخیر در به سمت و سوی همکاری‌های منطقه‌ای پیش رفته است و سعی بر این بوده است (فاخری، ۱۳۹۲: ۵۶) که این کشور با اتخاذ راه کار های ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به رفع چالش‌ها و ایجاد فرصت‌ها بپردازد که با در نظر داشت رقابت قدرت های منطقه‌ای با یکدیگر و جوان بودن دولت افغانستان نتایج همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند امیدوار کننده باشد. هر چند وجود موانع غیر قابل انکار می‌باشد از جمله مهمترین موانع در این مسیر، عدم حکومت داری خوب، وجود فساد گسترده، استفاده از تروریسم به عنوان ابزار سیاست خارجی توسط کشورهای ذیدخل در مسایل داخلی افغانستان و عدم خود کفایی

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

سیاسی کشور می‌باشد. که عامل چنین وابستگی بیشتر به سبب ضعف اقتصادی است زیرا کشمکش‌های داخلی و نا امنی های متواتر، افغانستان را از رسیدن به ثبات اقتصادی باز داشته است، به‌طوریکه سهم قابل توجهی از بودجه سالانه آن با کمک های جهانی تکمیل میگردد با سقوط طالبان و آغاز دوره‌ی جدید که نویدبخش مجدد از سرگیری روابط اقتصادی تهران - کابل محسوب می‌شود، سیاست های راهبردی ایران در قبال این کشور، همچون گذشته پر اصولی همچون تأمین صلح و ثبات داخلی، حفظ تمامیت ارضی حکومت متعادل موازنه ی قدرت بین گروه‌های قومی مختلف و همکاری‌های اقتصادی استوار و تقویت گردید. باید افزود: گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران و افغانستان در سال‌های اخیر ضمن تأمین منافع اقتصادی دو کشور، موجب افزایش همگرایی آنان در حوزه های امنیتی خواهد شد(مشیرزاده، ۱۳۹۵:۱۱۵). نداشتن ثبات سیاسی سبب باز ماندن افغانستان از قرار گیری در جایگاه اصلی اش در منطقه گشته است با این وجود رسیدن به همگرایی اقتصادی در منطقه، بدون در نظر گرفتن وضع موجود افغانستان ناممکن خواهد بود. بنابر این دست یافتن افغانستان به ثبات اقتصادی می‌تواند موقعیت افغانستان را نسبت به گذشته بهتر نموده و از طریق افزایش تعاملات اقتصادی و ارتباطات ترانزیتی با کشورهای همسایه خصوصاً ایران زمینه همکاری و همگرایی بیشتر را میان کشورهای منطقه فراهم سازد.



شکل ۱. فرصت‌ها و ضرورت‌های متقابل اقتصادی و سیاسی ایران و افغانستان (منبع: محقق)

### ۳-۱. بهره‌گیری از قدرت فزاینده هند در تقویت روابط اقتصادی افغانستان و ایران

آنچه بر لزوم همکاری بیش از پیش ایران و هند در افغانستان اهمیت می‌بخشد همان منافع و تهدیدات مشترکی است که از جانب گروه‌های تروریستی و یا قدرت‌های فرا منطقه‌ای متوجه دو کشور می‌باشد چراکه افزایش همکاری‌ها و نفوذ ایران و هند در افغانستان مانع از حضور کشورهایمانند چین و آمریکا و پاکستان در افغانستان خواهد شد. آنچه برای ایران مهم است بهره‌گیری از قدرت درون‌زا و فزاینده هند در منطقه است. از طرفی منافع ایران در افغانستان با بازیگران اصلی این حوزه نظیر آمریکا و پاکستان در تضاد است بخصوص اینکه

ایران خواستار خروج کامل آمریکا و نیروهای ناتو<sup>۱</sup> از افغانستان است. از طرف دیگر هند نیز اگرچه در ابتدا موافقت خود را با حمله آمریکا به افغانستان اعلام کرد ولی اکنون عرصه را بر که خود تنگ می‌بیند؛ بخصوص در حال حاضر مقامات آمریکایی از تقسیم طالبان به خوب و بد و مشارکت طالبان خوب در حکومت افغانستان سخن به میان می‌آورند. البته این در شرایطی است که ما همه روزه شاهد افزایش نفوذ و حضور آمریکا در هند هستیم اما این نکته نیز مشخص است که هندی‌ها از هرگونه اقدام آمریکا در سطح منطقه که امنیت و منافع آن‌ها را به خطر بیندازد شدیداً نگران میشوند (روح زنده، ۱۳۸۴: ۷۵). لذا مقامات دو کشور ایران و هند به عنوان دو کشور تأثیر گذار و قدرتمند که هر کدام پتانسیلهای مهمی از قدرت را در سطح منطقه در اختیار دارند در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که در سایه همکاری‌های گسترده با یکدیگر میتوانند ضمن دفع تهدیدات متصوره از سوی افغانستان از پتانسیل‌های موجود در این کشور برای منافع ملی خود به صورت مطلوب استفاده نمایند و یکی از راه‌های اصلی این مهم را در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و کمک به رفع مسائل و مشکلات زیربنایی و اقتصادی افغانستان دیده‌اند و لذا دو کشور فوق می‌توانند با تعامل سازنده با یکدیگر و سپس با جلب اعتماد مقامات افغانی اولاً بسیاری از مسائل امنیتی خود را در منطقه حل و فصل نمایند. ثانیاً در بعد اقتصادی و حمل و نقل زمینی نیز منافع زیادی را از طریق افغانستان کسب کنند و ثالثاً مانع از حضور و نفوذ بیش از پیش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشور شوند (حق‌جو، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

### ۳-۲. تقویت همبستگی اقتصادی ایران و افغانستان از طریق بندر چابهار

بندر چابهار یکی از مناطق استراتژیک جهان در تقویت همگرایی منطقه‌ای به شمار می‌رود و زمینه تجارت را بین کشورهای افغانستان ایران و هند فراهم می‌کند اهمیت استراتژیک و راهبردی بندر چابهار برای همه‌گان روشن است. جمهوری اسلامی ایران در دهه ۷۰م برای

<sup>۱</sup> در سال‌های اخیر منبع بسیاری از نابسامانی‌ها در سطح منطقه به خصوص افزایش کشت خشخاش و تولید مواد مخدر هستند.

اولین بار به دنبال اجرای پروژه بندر چابهار بود اما نتوانست این پروژه را تکمیل کند. در سال ۱۹۸۶ میلادی از تکمیل پروژه بندر چابهار صرف نظر کرد تا اینکه هند پیشنهاد سرمایه گذاری به توسعه بندر چابهار، داد، موافقت نامه بندر چابهار میان سه کشور مهم منطقه در سوم جوزا خرداد ۱۳۹۵ هجری شمسی توسط رئیس‌ان جمهوری ایران افغانستان و صدر اعظم هند در تهران به امضاء رسید و سند اجرایی آن نیز در ۱۳۹۷ هجری در همین شهر امضاء شد. افغانستان به عنوان یک کشور محصور به خشکی نیاز شدید به گذر گاه و بنادر مواصلاتی چون کراچی و گوادر در پاکستان چابهار در ایران و راه لاجورد دارد، ولی مشکلات و موانع عملی که ریشه در عوامل ژئوپلیتیکی دارد تاکنون به افغانستان اجازه نداده تا از این مسیرها (به طور مطلوب و بهره برداری کند. از طرف دیگر همگرایی اقتصادی یکی از موضوعات مهم برای افغانستان و سه منطقه بزرگ آسیایی یعنی آسیای مرکزی آسیای جنوبی و آسیای میانه است که با شدت گرفتن تلاشها برای گسترش همکاری‌های اقتصادی میان آسیای مرکزی و آسیای جنوبی، نقش افغانستان به عنوان کوتاهترین و کم هزینه ترین مسیر اتصال این دو منطقه نیز پررنگ تر از قبل شده است. بنابر این از دید، افغانستان تمرکز روی نقش سنتی این کشور به عنوان پل ارتباطی این دو منطقه، از جمله اساسی ترین مسائل در گسترش همگرایی اقتصادی منطقه‌ای به حساب می آید از جانب دیگر ایران نیز از جمله کشورهایی است که به لحاظ قرار گیری در موقعیت جغرافیایی مناسب از مزایا و فواید ترانزیتی خوبی بهره مند بوده و با گسترش و توسعه شبکه حمل و نقل و ارتباط مناسب می تواند از این مزایا در راستای افزایش درآمد ارزی و ارتقای موقعیت استراتژیک خود بهره ببرد. بندر چابهار با دلیل موقعیت راهبردی که نزدیکترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به آب های آزاد و همچنین هند و کشورهای جنوب ایران به شمال، محسوب می شود نقش حیاتی در ترانزیت شمال و جنوب دارد (کریمی حاجی خادمی، ۱۳۹۵: ۴۳)

۴. تأثیر تحریم های بین المللی ایران بر گسترش مناسبات اقتصادی و تجارتي ایران و افغانستان

با بازگشت تحریم های ایالات متحده علیه ایران در ماه های آینده، نقش آفرینی افغانستان در تعدیل شرایط سخت تحریم بر ایران بسیار با اهمیت است هم مرز بودن این کشور با ایران و



## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

وضعیت نامناسب اقتصادی باعث شده ظرفیت‌های زیادی در اختیار ایران در شرایط تحریم قرار بگیرد اقتصاد سنتی و نقدی، افغانستان کنترل قاچاق ارز را با دشواری مواجه ساخته و این مسأله رصد معاملات ارزی افغانستان با ایران از سوی ایالات متحده را با دشواری مواجه خواهد ساخت. ضمن اینکه محدودیت‌های ژئوپلیتیک افغانستان و پیوند آینده اقتصادی این کشور به توسعه بندر چابهار، هزینه‌های انصراف از این بندر را برای افغانستان را به مراتب افزایش خواهد داد. با این حال آنچه موجب استفاده حداکثری از ظرفیت اقتصادی کشورهای همسایه مثل افغانستان خواهد شد به کارگیری دیپلماسی فعال از سوی کشور (ایران) است حجم تبلیغات آمریکا علیه فعالیت‌های ایران در افغانستان و دامن زدن به اختلافات دو کشور مسأله‌ای جدی در روابط دو کشور است که باید آن را مدیریت کرد. هیچکس نمی‌تواند انگار کند که در شرایط سخت اعمال تحریم‌های ظالمانه و غیر عادلانه بین‌المللی علیه ایران، افغانستان همچنان یکی از شرکای ثابت و صادق و همیشگی ایران در عرصه اقتصاد و تجارت و ترانزیت باقی ماند. مسلم است که هر دو طرف رابطه از این، امر سود بردهند هم بازار اقتصاد افغانستان نیاز شدیدی به کالاهای باکیفیت و متناسب با قدرت خرید و توان مالی متقاضیان و مصرف‌کنندگان افغانستان داشت و دارد و هم ایران به عنوان کشوری که با محدودیت‌های سنگینی در حوزه داد و ستدهای اقتصادی و تجاری در عرصه بین‌المللی مواجه بود و پیامدهای تحریم‌های سنگین اقتصادی، تأثیرات محسوس و مخرب خود را بر اقتصاد و بازار این کشور گذاشته بود، نیاز به کشوری داشت که فارغ از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، بتواند آزادانه و در شرایط مقتضی وضعیت اقتصاد و تجارت در سایر کشورهای جهان، با آن به داد و ستاد اقتصادی و بازرگانی و تجارت و ترانزیت پردازد افغانستان در آن شرایط سخت این نقش را به خوبی برای ایران ایفاء کرد برقراری ارتباطات گسترده و راهبردی در حوزه اقتصادی می‌تواند پیوند‌های عمیق و دیرینه دو کشور را بیش از هر زمان دیگری تحکیم و تثبیت کند و به طرفین رابطه این امکان را می‌دهد تا در تعامل باهمدیگر در عرصه بین‌المللی نیز در کنار هم حضور پیدا و به عنوان شرکای یک رابطه راهبردی، اقتصادی سهم عمده‌ای در توسعه و تجارت و ترانزیت و صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری در سراسر قاره، کهن ایفاء کنند برای، افغانستان این امر فرصت، ها، زمینه، ها، راهها و راهبردهای تازه‌ای را ایجاد می‌کند و از وابستگی انحصاری

اقتصاد این کشور به یک کشور همسایه میکاهد و در نتیجه تأثیرات مثبت جانبی فراوانی در دیگر عرصه ها از امنیت تا سیاست در پی خواهد داشت و برای ایران نیز این امکان را فراهم می کند تا هم با توسعه اقتصادی، بر تهدید های امنیتی ناشی از نا امتی، فقر و عدم توسعه در افغانستان و سرایت آن به کشورهای همسایه جلوگیری کند و هم در زمینه بکر و دست نخورده سرمایه گذاری و ساخت و توسعه زیر ساختها و استخراج معادن و دیگر پروژه های حیاتی و بزرگ در افغانستان، نقشی سازنده و درجه یک ایفاء کند و از امتیازات و منافع عظیم آن بهره مند شود (مصلی نژاد، ۱۳۹۳: ۳۶).

##### ۵. نگرانی از تأثیرات تحریم های آمریکا علیه ایران اقتصاد شکننده افغانستان

تأثیر اقتصادی تحریم های آمریکا بر ایران در افغانستان مشهود است. این کشور بعد از پاکستان دومین شریک بزرگ تجاری افغانستان است. آفاق تجارت و صنایع افغانستان می گوید که افزایش تحریم های آمریکا بر ایران باعث تأخیر انتقال محموله های تجارتي از بندر چابهار شده است.

اتاق تجارت و صنایع افغانستان می گوید در حالی که واشنگتن بندر چابهار را از تحریم ها معاف کرده است، اما این معافیت به گونه عملی اجرایی نشده است و صادرات و واردات افغانستان از این راه با مشکل جدی رو به رو است. اتاق تجارت و صنایع | افغانستان شکایت می کند که بانک جهانی و دیگر بانکهای بین المللی پروژه های تجارتي با ایران را حمایت نمی کنند. خآنجان الکوزی، معاون اتاق تجارت و صنایع افغانستان به دویچه وله گفت: «بانک جهانی و بانک های آمریکایی "لنر آف گریادات" (اعتبار نامه را برای معاملات از طریق چابهار نمیدهند و هر محموله ای که از راه ایران عبور کند، اگر به چابهار باشد با بندر عباس، متوقف میماند و عملاً اجازه داده نشده است) (نجفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱)، آمریکا ۱۸ می سال ۲۰۱۸ میلادی<sup>۱</sup> از برجام خارج شد و پس از آن اعلام کرد تا چهارم نوامبر همان سال<sup>۲</sup> عقب (آبان) ۱۳۹۷ صادرات نفت، گاز و پتروشیمی ایران را به صفر خواهد رساند واشنگتن از کشورهای جهان نیز

---

<sup>۱</sup> هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ هجری شمسی

<sup>۲</sup> سیزدهم آبان ۱۳۹۷ هجری شمسی

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

خواسته است به عنوان بخشی از تحریم‌های اقتصادی ضد تهران، واردات نفت، گاز و محصولات پتروشیمی از ایران را به صفر برسانند. بسیاری از کشورهای جهان از جمله، چین، روسیه و ترکیه در مخالفت با تصمیم رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرده اند از خواسته دونالد ترامپ پیروی نمی‌کنند. شماری از آگاهان اقتصادی می‌گویند، وضع تحریم‌های تازه آمریکا بر ایران، روابط اقتصادی و تجاری افغانستان و ایران را متأثر می‌کند. به باور آنان با اعمال تحریم منطقه‌ها، شاهد کاهش داد و ستد تجاری بین افغانستان و ایران خواهیم بود. افغانستان یکی از شریکان مهم تجاری ایران در محسوب می‌شود و بخشی از مواد غذایی البسه، دارو و مواد ساختمانی افغانستان از ایران تأمین می‌شود. در حال حاضر حجم تجارت سالانه افغانستان با ایران نزدیک به دو میلیارد دلار تخمین شده است. آذرخش، حافظی عضو ارشد اتاق تجارت و صنایع و کارشناس مسائل اقتصادی می‌گوید تحریم‌های آمریکا بر ایران می‌تواند به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم، بالای اقتصاد افغانستان تأثیرات منفی بگذارد. وی افزود ایران شریک درجه اول تجاری ماست و هر نوسان در بازار ایران می‌تواند بالای روابط اقتصادی ما تأثیر منفی داشته باشد در صورتی که اقتصاد ایران از این تعزیرات صدمه ببیند، تعداد از شهروندان افغان که در ایران کار می‌کند، دوباره به کشور بر می‌گردد و به تعداد افراد بیکار افزوده می‌شود. مهم‌تر از همه، پروژه بزرگ بندر چابهار که افغانستان روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده است. کابل خوشبین است که از طریق این بندر میزان تجارت و صادراتش به کشورهای بیرونی را افزایش داده و از سویی از وابستگی به پاکستان رهایی پیدا کند تفاهم‌نامه بندر چابهار سال گذشته (۱۳۹۶) از سوی افغانستان، هند و ایران امضاء شد. پر بنیاد آن کابل و دهلی نو می‌توانند برای انتقال اموال بازرگانی شان از بندر چابهار ایران استفاده کنند. پس از اجرایی شدن تحریم‌های آمریکا بر ایران عملی شدن این تفاهم‌نامه بعید به نظر می‌رسد. هرچند برخی از آگاهان به این باورند که بندر چابهار شامل تحریم‌های آمریکا نمی‌شود، اما با آن هم این تحریم روابط اقتصادی افغانستان و ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد آقای حافظی در این مورد گفت شرکت‌های آمریکای در بندر چابهار دخیل نیستند که این بندر ترانزیتی شامل تحریم‌های آمریکا شود، اما سیستم بین‌المللی بانک داری در دست آمریکای‌ها است و انتقال پول را به آدرس ایران نمی‌پذیرد به گفته او این مورد داد و ستد تجاری بین دو کشور با مشکل

مواجه می‌سازد. در همین حال سیف الدین سیحون استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی در این رابطه گفت: روابط تجاری در بندر چابهار با زیر ساختهای ناقص و محدودیتهای زیر ساختی ادامه خواهد داشت اما به دلیل نیازمندی های دو طرف تعطیل نمی‌شود، زیرا نیاز مندی ها از دستور های آمریکا مهم تر است. با این همه سیام الدین پسرلی سخنگوی اتاق تجارت و صنایع (افغانستان) میگوید ممکن با وضع تحریم های آمریکا بر ایران روابط تجاری بین افغانستان و ایران کاهش یابد. وی افزود: «با وضع شدن تحریم های آمریکا بر ایران ما با سه مشکل روبرو میشویم؛ سکتور خصوصی با کشوری که پول از طریق بانک هایش انتقال داده نمی‌شود، بسیار مشکل است که داد و ستد تجاری داشته باشد؛ دوم از بندر چابهار استفاده کرده نمی‌توانیم سوم، سرمایه گذاری های مشترک ما زیر سوال می‌رود و با مشکلات روبرو می‌شویم. به گفته او، روابط اقتصادی افغانستان و ایران در دوران تحریم های قبلی آمریکا قناعت بخش نبود اما با بر طرف شدن آن در سال ۲۰۱۶ میلادی روابط تجاری بین دو کشور گسترش یافت. هارون چخانسوری سخنگوی ریاست جمهوری گفته است که تحریم های ایران می‌تواند روی افغانستان نیز تأثیر منفی بگذارد. به گفته او، حکومت تلاش می‌کند تا بندر چابهار از تحریم های آمریکا متأثر نشود و تجارت بین هند و افغانستان ادامه داشته باشد. پس از آن که آمریکا از توافق نامه هسته یی ایران بیرون شد، نگرانی ها از وضع دوباره تحریم های آمریکا بر ایران افزایش یافته اند. اتاق تجارت و صنایع (افغانستان)، می‌گوید که در حال حاضر ایران شریک نخست بازرگانی افغانستان در منطقه است و به تازه گی بازرگانان افغانستان علاقه مند شده‌اند که داد و ستد شان را با ایران و از خاک این کشور با هند گسترش دهند عتیق الله نصرت رئیس هیئت عامل اتاق تجارت و صنایع (افغانستان)، گفت: «این یک نگرانی است و حتی ما در حال حاضر نمیدانیم که این تحریم ها روی کدام بخش ها خواهند بود و نگرانی های مان را با بخش اقتصادی سفارت آمریکا نیز شریک ساخته ایم آن‌ها نیز نمیدانند که این تحریم ها بر کدام بخش ها خواهند بود.» «این اتاق می‌افزاید از این که ایران شریک بزرگ بازرگانی افغانستان است و در سال‌های اخیر داد و ستد بازرگانی افغانستان با این کشور روبه افزایش است از همین رو وضع تحریم ها بر این کشور بر بازرگانی میان دو کشور اثر گذار خواهند بود. وزارت صنعت و بازرگانی (افغانستان) در این بخش نظر روشن ندارد، اما می‌گوید که افغانستان شاد بر منافع ملی اش تلاش دارد که به بازرگانی اش با کشورهای منطقه به شمول

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

ایران مشکل ایجاد نشود. مسافر فوق‌اندی، سخنگوی وزارت تجارت و صنایع (افغانستان)، گفت: «این تحریم‌ها شاید بر اقتصاد ایران تأثیرات داشته باشد، اما ما به اساس منافع ملی خود از راه‌های مختلف ترانزیت استفاده کنیم که مشکلات برای تجارت ما وارد نشوند و ایران بدون شک نیز جز آن خواهد بود» (واعظی، ۱۳۹۲: ۶۷).

### نتیجه‌گیری

روابط اقتصادی و سیاسی با افغانستان می‌تواند به عنوان یک مسیر جایگزین موثر برای ایران در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی عمل کند. این مسیر جایگزین امکاناتی برای ایران ایجاد می‌کند که عبارتند از: ۱- تبادل تجاری: افغانستان به عنوان یک بازار مستقر و پتانسیل زیادی در منطقه، امکانات بسیاری را برای صادرات ایران فراهم می‌کند. افزایش تجارت با افغانستان می‌تواند به ایران این امکان را بدهد که کالاها و خدمات خود را به کشورهای دیگر ارائه دهد و بتواند با تحریم‌ها مقابله کند. ۲- همکاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های مشترک: همکاری در زمینه زیرساخت‌ها، صنایع استخراجی و فناوری در افغانستان، امکاناتی برای سرمایه‌گذاری مشترک را فراهم می‌کند. این پروژه‌ها می‌توانند به عنوان یک منبع جدید از درآمد و اشتغال برای ایران عمل کنند. ۳- همکاری در حوزه انرژی: ایران و افغانستان می‌توانند در زمینه انرژی، به ویژه در حوزه‌های برق و نفت، همکاری کنند. ایران می‌تواند انرژی برق و نفت خود را به افغانستان صادر کرده و در عوض از افغانستان به عنوان یک بازار مصرفی برای این محصولات بهره‌مند شود. ۴- تبادل فناوری و دانش: همکاری در زمینه تبادل فناوری، تجربیات و دانش می‌تواند از دیگر مزیت‌های این رابطه باشد. این تبادلات می‌تواند در توسعه صنایع فناوری اطلاعات، کشاورزی، و دیگر صنایع کمک کند. ۵- تسهیل در مرزها و مسائل گمرکی: سیاست‌ها و تدابیر مشترک بین ایران و افغانستان در زمینه تسهیل در مرزها و کاهش مشکلات گمرکی می‌تواند تجارت را سهولت بخشیده و هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش دهند. از این رو، روابط اقتصادی و سیاسی با افغانستان می‌تواند به عنوان یک مسیر موثر برای ایران در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی عمل کند و کمک کند تا ایران از آثار این تحریم‌ها کاسته و راه‌های جدیدی برای توسعه اقتصادی خود پیدا کند.

**منابع :**

- [۱]. احمدی. فرج الله و قائمیان، آروین (۱۳۹۸)، بازی بزرگ و مسئله هرات (۱۸۲۸-۱۸۳۸م)، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۰، اسفند ۱۳۹۸، صفحات ۱-۲۰.
- [۲]. سینایی، وحید، و جمالی، جواد. (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربست رویکرد اقتصاد نهادگرا). مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۸(۲۸)، ۶۹-۹۳.
- [۳]. یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین، بخشی، احمد (۱۳۹۷)، آسیب شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۱۸-۲۰۰۱)، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۲، صفحات ۱۸۷-۲۲۴.
- [۴]. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، مرتضی دامن‌پاک جامی (۱۳۹۴) «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۱، صص ۵۲-۷.
- [۵]. لطفی، حیدر، (۱۳۹۷)، برنامه‌ریزی و سازماندهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی فضا در منطقه مکران در راستای ارائه‌ی یک مدل راهبردی برای مناطق ایران؛ مطالعه‌ی موردی چابهار، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۴۳، صفحات ۱۸۳-۲۱۴.
- [۶]. یزدان پناه، کیومرث، و احمدی، سیدجلال. (۱۴۰۰). جایگاه اقوام در شکل‌گیری ساختار سیاسی و حاکمیت افغانستان بعد از ۲۰۰۱ میلادی. سیاست- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۱(۱)، ۳۱۱-۳۳۴.
- [۷]. میرعلی، محمدعلی، و احمدی، خادم حسین. (۱۴۰۰). بنیادی‌ترین چالش سیاسی دولت افغانستان در مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۹(۱۸ پیاپی)، ۲۲۱-۲۴۸.
- [۸]. رکابیان، رشید. (۱۴۰۱). کالبدشکافی بحران سیاسی امنیتی افغانستان از اشغال تا ناامنی (۲۰۲۲) و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴(۵۱)، ۱۴-۲۶.
- [۹]. بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۵) ایران و افغانستان از یگانگی تا تعیین مرزهای سیاسی تهران مرکز اسناد تاریخ و دیپلماسی وزارت امور خارجه.

## نقش روابط سیاسی - اقتصادی افغانستان در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران / جلالی

### مهر - مرادی - دیانت

[۱۰]. بوزان باری (۱۳۸۹)، از جامعه بین‌الملل تا جامعه جهانی، ترجمه محمد علی قاسمی تهران انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[۱۱]. حافظ نیا، محمدرضا، مجتهدزاده پیروز علی زاده جعفر (۱۳۸۸)، «هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان»، فصلنامه مدرس علوم انسانی دوره ۱۰ شماره ۲، صفحات ۳۱-۵۷.

[۱۲]. حق پناه، جعفر (۱۳۹۳)، نقش مهاجران افغان در ارتقاء جایگاه ایران در بازسازی افغانستان تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[۱۳]. حق جو میرآقا (۱۳۸۹)، افغانستان و مداخلات، خارجی، قم: انتشارات مجلسی.

[۱۴]. دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، سیاست خارجی آمریکا در افغانستان، تهران: نشر میزان.

[۱۵]. روح زنده، جمیله (۱۳۸۴) گذری بر تاریخ روابط سیاسی ایران و افغانستان تهران: انتشارات صبحدم.

[۱۶]. ریاحی، اعظم (۱۳۹۰)، «تأثیر حضور مهاجران در وضعیت اجتماعی و اقتصادی زاهدان»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۱، ۱۶-۳۳

[۱۷]. علی‌آبادی، علیرضا (۱۳۷۸) کتاب سبز افغانستان تهران انتشارات وزارت امور خارجه.

[۱۸]. فاخری، مهدی (۱۳۹۲) سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی تهران مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

[۱۹]. قوام، عبدالعی (۱۳۹۳)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.

[۲۰]. کریمی حاجی خادمی، مازیار، (۱۳۹۲) طالبان خاستگاه و مبانی فکری تهران انتشارات کانون اندیشه جوان.

[۲۱]. مشیرزاده حمیرا (۱۳۹۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.

[۲۲]. مصلی نژاد، عباس، (۱۳۹۳) اقتصاد سیاسی بین‌الملل تهران انتشارات دانشگاه تهران.

[۲۳]. نجفی، محمدعلی، عبداللهی، فرهادی، کورش حیدری، مسلم (۱۳۸۹)، چشم انداز توسعه روابط اقتصادی ایران و افغانستان؛ با تأکید بر ولایت هرات تهران انتشارات مؤسسه اندیشه سازان نور.

[۲۴]. واعظی، حمزه (۱۳۹۲)، افغانستان و سازه‌های ناقص هویت، ملی تهران: انتشارات عرفان.

[25]. Sharan, Timor and Watkins, Andrew (2021) "Afghanistan Beyond 2021: Inroads for China's Regional Ambitions or Security Spillover?" Friedrich Ebert Stiftung.

- [26]. Shekh Ghafoori, Hadi, Badri Gonbad, Sakineh, Deheshyari, Hosein, (2021), Explain how to de-secure Iran-Afghanistan relations from 2000 to 2019, The Fundamental and Applied Studies Of the islamic World, Vol(2), Issue 6, Pages:25-48.
- [27]. Haghshenas, Mohammadjavad, Yousefi, Omran, (2010), Opportunities and Challenges of Nation-Building in Afghanistan for Iran, Research letter of international relations, Volume 3, Issue 13 - Serial Number 12, March 2010, Pages 95-124.
- [28]. Rezaee, Zohre, 2022, Documentary Investigation of the Status of Foreign Trade in Eastern Cities of Iran Based on Documents (1889-1996 AD/1306-1314 AH), Documentary and Archival Studies Research, vol(1), Pages:152-174.